

کشورهای خاورمیانه در جستجوی کشت فرا سرزمینی

نویسنده: دکتر حسین شیرزاد^۱

یکی از اثرات ماندگار بحران قیمت مواد غذایی در سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۸ بر سیستم غذایی جهان، تملک فزاینده زمین‌های کشاورزی در کشورهای در حال توسعه توسط کشورهای دیگری است که به دنبال تضمین منابع غذایی خود هستند.

افزایش فشار بر منابع طبیعی، کمبود آب، محدودیت‌های صادراتی که تولیدکنندگان عمده در زمان بالا بودن قیمت مواد غذایی اعمال می‌کنند، و بی‌اعتمادی فزاینده به عملکرد بازارهای منطقه‌ای و جهانی، کشورها را از نظر زمین و آب برای یافتن ابزارهای جایگزین برای تولید غذا دچار چالش کرده است. تملک و تصاحب زمین‌های کشاورزی سایر قلمروها، اگرچه پتانسیل تزریق سرمایه‌گذاری را در کشاورزی و مناطق روستایی در کشورهای در حال توسعه فقیر افزایش داده است، اما نگرانی‌هایی را در مورد تأثیرات آن بر مردم فقیر محلی و خطر از دست دادن دسترسی و کنترلشان بر زمین‌هایی را که به آن وابسته هستند، افزایش می‌دهد. بنابراین بسیار مهم است که اطمینان حاصل شود معاملات زمین و محیطی که در آن کشت فراسرزمینی انجام می‌شود، به گونه‌ای طراحی شده باشد که تهدیدات را کاهش داده و فرصت‌ها را برای همه طرف‌های ذی‌نفع تسهیل کند. ناکارآمدی کشاورزی، الگوهای آب و هوایی ناپایدار، کمبود آب و استفاده ناکارآمد از آب موجب خشکسالی، شوری و آلودگی خاک، فرونشست زمین و مهاجرت روستایی در خاورمیانه شده و کشورهای این منطقه از جهان را در زمره فعال‌ترین دولت‌ها در زمینه کشت فرا سرزمینی قرار داده است. در این یادداشت به صورتی مجمل به تلاش‌های پیگیر همسایگان/ایران در خصوص تامین امنیت غذایی شان از طریق رویکرد کشت فرا سرزمینی می‌پردازیم و برخی ابتکارات شرکت‌های چند ملیتی را در این رابطه بررسی خواهیم نمود.

ترکیه هفتمین تولیدکننده بزرگ کشاورزی جهان، علیرغم تجربه شکست‌های اولیه، مترصد است تا زمین‌های کشاورزی مرغوبی را در چندین کشور آفریقایی و آمریکای لاتین برای کشت محصولات کشاورزی اجاره کند و تولیدات کشاورزی را در بحبوحه نگرانی‌های فزاینده جهانی در مورد امنیت غذایی افزایش دهد. این کشور قصد دارد از طریق سودان تامین بخشی از مواد غذایی خود را تضمین کند. پیش‌تر ترکیه تلاش کرده بود ۸۵۰۰۰۰ هکتار زمین در حوضه نیل سفید سودان را برای ۹۹ سال اجاره کند، اما مشکلات در مالکیت، نحوه ذخیره‌سازی و چالش‌های امنیتی این پروژه را متوقف کرد. در حال حاضر ترکیه در حال مذاکره با ۱۰ کشور از

جمله اوکراین و آفریقای جنوبی برای اجاره زمین برای تولید محصولات کشاورزی است. این قطعات برای کشت محصولات محصولاتی که به دلایل اقلیمی یا دلایل فنی دیگر در ترکیه غیرممکن است، برنامه ریزی شده اند. در این زمینه مقامات ترکیه علاوه بر اوکراین، در حال مذاکره با کشورهای آمریکای لاتین و آفریقا هستند. ترکیه انتظار دارد در خارج از کشور آفتابگردان، ذرت، پنبه، نیشکر، شبدر، کلزا، آناناس، انبه و آووکادو بکارد. بیش تر این محصولات برای صادرات در نظر گرفته شده و پروژه ها توسط بخش خصوصی اجرا خواهد شد. حتی این موضوع در جریان سفر نیکلاس مادورو، رئیس جمهور ونزوئلا به ترکیه نیز مورد بررسی قرار گرفت و این کشور آمریکای لاتین پیشنهاد اجاره ۴۰۰۰۰۰ هکتار زمین کشاورزی را به ترکیه داد. مادورو گفت ترکیه می تواند ۴۰۰ هزار هکتار زمین در ونزوئلا را برای کشت گندم اجاره کند. او پیشنهاد داد که تولید ممکن است به صورت مشارکتی ۷۰ به ۳۰ بین دو کشور تقسیم شود.

در ترکیه، اداره کل شرکت های کشاورزی (TIGEM) پروژه اجاره زمین های کشاورزی در سایر کشورها را هماهنگ می کند. همان گونه که پیش تر گفته شد، ترکیه پیش از این ۸۵۰ هزار هکتار زمین در سودان اجاره کرده بود، اما این سرمایه گذاری نتیجه مطلوبی به همراه نداشت. اما این بار مقامات روی محصولات تمرکز خواهند کرد که به دلیل شرایط آب و هوایی در ترکیه قابل کشت نیستند، یا به مقدار کافی تولید نمی شوند. آناناس، انبه و کلزا هم برای مصارف داخلی و هم برای صادرات تولید خواهد شد. بر اساس برنامه های در دست بررسی، شرکت های خصوصی ترکیه از این زمین های اجاره ای برای تولید محصولات کشاورزی خاص استفاده خواهند کرد. البته شرکت های پیشرو مانند هلدینگ آنادولو، هولدینگ جواهر، هلدینگ سوتاس، هلدینگ آلتین باس و بویهان گیدا سال هاست که به دلیل حمایت ناکافی دولت ترکیه از کشاورزی در داخل، زمین های استیجاری را در فراسوی مرزها کشت می کنند. محصولات آن ها در کشورهایمانند ایتوپیا، ماداگاسکار، مالی، موزامبیک، رومانی، مقدونیه، آرژانتین، ایالات متحده، پاکستان، مالزی و سودان کشت می کنند، از ذرت، گندم و آفتابگردان گرفته تا گردو، آناناس، زردآلو و خرما می باشد. ترکیه از سال ۲۰۱۵ برای تامین غذای کل جمعیت خود با مشکل مواجه شده است. دولت تغییرات آب و هوایی و بحران دائمی پناهندگان را به عنوان دلایل اصلی ذکر کرده است. اما برای جلوگیری از این وضعیت، این کشور اکنون می خواهد طرحی را که در سال ۲۰۱۶ آغاز کرده بود، اما در اجرای اجاره زمین های کشاورزی در سودان برای تولید غذای کافی برای مصرف خانگی و صادرات شکست خورد، بازبینی کند. همچنین در سال ۲۰۲۰ ترکیه زمین هایی را از نیجر و سودان اجاره کرد. این توافق مبتنی بر توسعه متقابل و انتقال تکنولوژی است و به واسطه یک تفاهم برد-برد با بخش خصوصی هدایت می شود؛ اما این تنها دولت ترکیه نیست که بدنبال پیدا کردن راه حل هایی برای ناامنی غذایی در سرزمین آفریقا است.

بر اساس گزارش سازمان تجارت جهانی (WTO) از سال ۲۰۱۳، بریتانیا ۴.۴ میلیون هکتار زمین در آفریقا، برابر با مساحت دانمارک اجاره کرده است. مساحت زمین های اجاره ای آمریکا به همین روش ۳.۷ میلیون هکتار است. شرکت های آمریکایی با مشارکت /تحدیه اروپا در جمهوری کنگو ۸.۱ میلیون هکتار و در سودان تاکنون ۴.۷ میلیون هکتار زمین را اجاره کرده اند.

کشورهای حاشیه خلیج فارس که عمدتاً از نظر غذایی ناامن هستند، برای اجاره اراضی زراعی بسیار فعال اند. عربستان سعودی و امارات (و تا حدی قطر) در یک محیط نامطمئن فزاینده، تصمیم گرفتند تا بدون اتکا به غول های تامین کننده غلات و با دور زدن بازارهای جهانی مواد غذایی، به دنبال کشت زمین هایی خارج از کشور برای تامین امنیت غذایی بوده، خوداتکایی را در فراسوی مرزها به دست بگیرند. بحرین و عمان که در آمد نفتی همسایگان ثروتمند خود را نداشتند، کم تر فعال بودند. عمان به طور کلی از سرمایه گذاری کشاورزی خارجی خودداری کرد و به جای آن، ذخایر استراتژیک غذایی خود را افزایش داد. تمرکز عربستان و امارات روی زمین برای کشت محصولاتمانند برنج، گندم، شکر و محصولات علوفه ای مانند یونجه، ذرت، جو و سویا بود. نیاز به خوراک دام به ویژه زیاد بود، به طوری که عربستان سعودی تقریباً نیمی از تجارت جهانی جو را وارد می کرد و کم تر از نیمی از نیاز خود به خوراک دام سبز مانند یونجه را تولید می کرد. همه این محصولات به طور ایده آل برای کشت در محیط پاکستان مناسب بودند.

دولت پاکستان برای جلب علاقه سرمایه گذاران، شروع به برپایی «نمایش های جاده های کشاورزی» در سراسر خلیج فارس کرد. در سال ۲۰۰۸، دولت پاکستان تلاش خود را برای جذب سرمایه خارجی با ارائه معافیت های مالیاتی، واردات تجهیزات بدون عوارض گمرکی و مالکیت ۱۰۰ درصدی زمین در مناطق آزاد ویژه در بخش های کشاورزی، دامداری و لبنیات خود افزایش داد. سرمایه گذاران زمین نیز از قوانین کار موجود کشور مستثنی شدند. بر اساس گزارش ها، دولت حتی پیشنهاد داد که یک نیروی امنیتی ۱۰۰۰۰۰ نفری برای محافظت از سرمایه گذاران فراهم کند. سرمایه گذاران کشورهای حاشیه خلیج فارس در تلاش خود برای دستیابی به زمین های کشاورزی در پاکستان به چندین سازمان و شرکت کلیدی برای تسهیل معاملات متکی بودند. در عربستان سعودی، به ابتکار ملک عبدالله، شرکت بزرگ KAI برای سرمایه گذاری عربستان در کشاورزی خارج از کشور با هدف دستیابی به امنیت غذایی ملی از طریق ایجاد مشارکت های یکپارچه با کشورهایی که پتانسیل کشاورزی بالایی داشتند، تأسیس شد. شرکت (KAI) به عنوان یک "تسهیل کننده سرمایه گذاری" عمل می کند و نقش آن در یک کشور میزبان بالقوه، با انجام بحث های دوجانبه از طرف دولت پادشاهی با انعقاد تفاهم نامه و اخذ امتیازات مالی - بیمه ای "آغاز می شود و تمرکز آن بر هموار کردن راه برای سهولت انجام سرمایه گذاری کشت فرا سرزمینی در کشورهای هدف است.

امارات متحده عربی برای تسهیل سرمایه‌گذاری در پروژه‌های کشاورزی خارجی، به یک شرکت سرمایه‌گذاری دارای سهام دار خصوصی مستقر در دبی به نام (Abraaj Capital) متکی است. ابراج به عنوان یک شریک مالی و استراتژیک عمل می‌کند. ابراج؛ به جای تشکیل شرکت‌های نوپا، ترجیح می‌دهد شرکت‌های کشاورزی موجود در کشور هدف را بخرد تا به خوبی مدیریت می‌شوند و سپس ارزش آن‌ها را با آوردن مهارت‌های مدیریتی خاص ارتقاء بخشد و در نتیجه بهره‌وری و کارایی را افزایش دهد. هلدینگ القدره، یک شرکت مستقر در ابوظبی است که از طریق زیرمجموعه خود، القدره در سرمایه‌گذاری‌های کشاورزی فعالیت می‌کند. در جولای ۲۰۰۸، این شرکت برنامه خود را برای به دست آوردن ۴۰۰۰۰۰ هکتار از زمین‌های کشاورزی در آسیا (پاکستان، ویتنام، تایلند، و هند)، خاورمیانه (سوریه) و آفریقا (سودان، مراکش و الجزایر) اعلام کرد. از آنجا که شرکت القدره نیمه خصوصی است، ترجیح می‌دهد از عوارضی که معمولاً در زمانی که یک شرکت مرتبط با یک دولت سعی می‌کند زمین در کشور دیگری خریداری نماید، ایجاد نماید، اجتناب کند. رویکرد معمول آن این است که از طریق اجاره‌های طولانی تجدید پذیر (حداقل ۲۵ سال) در مقابل تملک زمین به طور کامل عمل کند. الویت و تمرکز شرکت بر کشت محصولات استراتژیکی است که ابتدا به نیازهای غذایی امارات متحده عربی رسیدگی کند. در سال ۲۰۰۸، شرکت سهامی خاص (Abraaj Capital) و سایر شرکت‌ها و مؤسسات امارات متحده عربی با حمایت دولت ۸۰۰۰۰۰ هکتار زمین کشاورزی را در پاکستان خریداری کردند. سایر شرکت‌های امارات متحده عربی که علاقه‌مند سرمایه‌گذاری در زمین و تجارت کشاورزی در پاکستان هستند، شامل گروه سرمایه‌گذاری امارات و گروه ابوظبی می‌شوند. در سال ۲۰۰۹، گروه امارات متحده عربی حدود ۱۶۱۸۷ هکتار زمین را در استان بلوچستان پاکستان به قیمت تخمینی ۴۰ میلیون دلار خریداری کرد. برنامه آن‌ها شروع کشاورزی مکانیزه در این منطقه به عنوان بخشی از استراتژی برای کاهش هزینه‌های واردات مواد غذایی بود. پیش‌بینی می‌شد که این زمین به ۲۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری بیش‌تر در آموزش و افزایش باروری نیاز داشته باشد تا از نظر تجاری قابل دوام باشد.

گزارش شده است که شرکت گوشت و دام قطر (ماواشی) یک میلیارد دلار برای کشاورزی در پاکستان هزینه کرده است. این کشور با دولت پاکستان سند همکاری برای اجاره حدود ۱۲۱۴۰ هکتار در شیکارپور، لارکانا و سوکور امضا نمود.

عربستان سعودی در پاکستان قرار بود ۵۰۰۰۰۰۰ جریب یا بیش‌تر زمین اجاره کند. گزارش‌ها حاکی از آن است که عربستان سعودی خواهان کشت غلات و سبزیجات بیش‌تری برای بازار عربستان است. به نظر می‌رسد این پیشنهاد در پاسخ به اعلامیه دولت پاکستان در آوریل ۲۰۰۸ مبنی بر پیشنهاد یک میلیون جریب زمین به سرمایه‌گذاران خارجی برای اجاره یا فروش ارائه شده است. عربستان، به طور فزاینده‌ای بخش‌های وسیعی از زمین‌های حاصلخیز آبیاری شده توسط رودخانه نیل در سودان را برای رشد محصولات غذایی برای حفظ جمعیت

خود خریداری می کنند. پایگاه داده (Land Matrix) که داده‌های مربوط به تصرف زمین از سوی دولت‌ها، شرکت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، رسانه‌ها و مشارکت‌های شهروندان را گردآوری می‌کند، گزارش داده که از سال ۱۹۷۲ تاکنون ۷۶۲۲۰۸ هکتار از این اراضی مقیاس بزرگ را در *سودان* ردیابی کرده است که اکثر معاملات پس از سال ۲۰۰۰ منعقد شده‌اند. بخش اعظم این اراضی به ۲۸ معامله فراملیتی اختصاص یافت که شرکت‌هایی از کشورهای عمدتاً *خاورمیانه* از جمله قطر، مصر، لبنان، کویت، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و سوریه زمین‌های وسیعی را برای تولید محصولات غذایی، خوراک حیوانات، یونجه و سوخت‌های زیستی خریداری کردند.

سرمایه‌گذاران کشورهای از جمله *اردن*، *ترکیه*، *مصر*، *امارات* و *عربستان سعودی* نیز برای تصاحب ۳.۴ میلیون هکتار زمین رقابت می‌کنند که تاکنون در دست مذاکره است. این گونه تملک‌های خارجی در ادبیات بین‌المللی اغلب به عنوان «غصب زمین» نامیده می‌شود، زیرا آن‌ها مقادیر زیادی از منابع طبیعی مانند زمین و آب را اغلب بدون توجه به جوامع محلی که به زمین متکی هستند، به کار می‌گیرند. تاکنون غصب زمین و آب در *سودان* عمدتاً در *ایالت خارطوم*، *رود نیل* و شمال کشور صورت پذیرفته است؛ چون از ابتدای دهه اول سال ۲۰۰۰، این *ایالت‌های سودان* توسعه پروژه‌های کشاورزی برای صادرات را تجربه کرده‌اند، توسعه‌ای که پس از بحران سال ۲۰۰۸ سریع شد و پس از سال ۲۰۱۳ با انتشار قانون نهایی مناسب برای تجارت تقویت شد. ظهور عظیم سرمایه‌گذاری‌های کشاورزی خارجی در *سودان* در اوایل دهه ۲۰۰۰ آغاز شد، زمانی که رژیم رئیس‌جمهور عمر حسن احمد البشیر، شروع به ارائه زمین و آب در شرایط مطلوب به کشورهای حاشیه خلیج فارس کرد. چون این کشورها به دلیل استفاده بیش از حد از منابع پایه خویش، با چالش کاهش منابع آبی خود مواجه گشتند و به دلیل رشد طبقه متوسط شهری و تغییرات عمیق در الگوی مصرف؛ تولیدات کشاورزی داخلی آن‌ها باید برون‌سپاری می‌شد. عجله کشورهای خلیج فارس برای تصاحب زمین‌های کشاورزی در *سودان* به دنبال بحران قیمت مواد غذایی در سال ۲۰۰۸ تسریع شد. بسیاری از کشورهای صادرکننده غلات، شروع به کاهش مقدار کالاهای غذایی صادراتی خود در بازار خارجی کردند و ترجیح دادند از تضمین امنیت غذایی جمعیت خود اطمینان حاصل کنند. لذا با وجود قدرت مخارج قابل توجه کشورهای خلیج فارس به دلیل صادرات نفت، آن‌ها هنوز نتوانستند دسترسی کافی به غذا را برای جمعیت خود تضمین کنند. به همین دلیل، *سودان* را با هدف تامین غذا و به مثابه "هدف غذایی" خویش قرار دادند. درگیر شدن کشورهای خلیج فارس در اقتصاد *سودان* با رویداد دیگری نیز همراه شد. در سال ۲۰۱۱، جدایی *سودان جنوبی* یک شوک برای اقتصاد ملی بود. خارطوم کنترل بیش‌تر میادین نفتی خود را از دست داد و *سودان شمالی* باید خود را با شرایط جدید وفق می‌داد. با توجه به ضرورت تنوع بخشیدن به درآمدهای مالی خود، البشیر در سال ۲۰۱۳ قانون جدیدی را برای سرمایه‌گذاری (قانون تشویق سرمایه‌گذاری ملی، ۲۰۱۳) به

منظور جذب بالای سرمایه‌گذاری خارجی به سودان با ارائه معافیت‌های مالیاتی قابل توجه و حمایت اداری قوی از سرمایه‌گذاران تصویب کرد. پروژه‌های بزرگ مقیاسی مورد بررسی عمدتاً برای تولید کشاورزی و صنعتی یونجه انجام شد. این محصول به دلیل بهره‌وری بالا و ارزش غذایی، «ملکه» علوفه‌های دامی محسوب می‌شود. برداشت محصول ده بار در سال است. محصولات زراعی هر ۳۰-۳۵ روز با میانگین تولید ۲ یا ۳ تن در هکتار برداشت می‌شوند. خریداران هدف این یونجه عمدتاً برای مصرف مزارع صنعتی دامپروری به عربستان سعودی و امارات صادر شد. از آنجا که تولید داخلی علوفه آن‌ها در حال کاهش است، عربستان سعودی و امارات متحده عربی به همراه ژاپن، کره جنوبی و تایوان به بزرگترین واردکننده یونجه در جهان تبدیل شده‌اند. طرفه آن که بازار کشورهای عربی به حدود ۲۰ میلیون تن یونجه نیاز دارد و تنها بخش کوچکی از آن در حال حاضر در سطح منطقه تولید می‌شود و در حال حاضر سودان ۵ میلیون تن تولید می‌کند. اما امکان گسترش کشت یونجه در سودان بسیار زیاد است. به همین دلیل، وزارت سرمایه‌گذاری در حال حاضر در حال تهیه مطالعات امکان‌سنجی برای پروژه‌های آبی یونجه تا سال ۲۰۵۰ است. برای سودان، ارائه زمین به معنای کسب اجماع بین‌المللی، دسترسی به بازارهای جدید و نوآوری‌های فنی، و مهم‌تر از همه، منابع درآمدی جدید از طریق اجاره زمین است که می‌تواند تداوم رژیم سیاسی را تضمین کند. برای سرمایه‌گذاران خصوصی، این به معنای کسب سود قابل توجه توسط کشور میزبان است که فعالیت کشاورزی آن‌ها را مشروعیت می‌بخشد. از منظر تکنولوژی آبی، آبیاری مرکزی محوری روشی برای آبیاری محصولات زراعی است که در آن تجهیزاتی که با برق کار می‌کنند، به دور یک پیوت می‌چرخند و محصولات با آبیاری می‌شوند. یک ناحیه دایره‌ای که در مرکز اطراف محور قرار دارد آبیاری می‌شود، که اغلب با مشاهده از بالا، یک الگوی دایره‌ای در محصولات ایجاد می‌کند. این تکنیک نیازی به فنآوری سطح بالا ندارد، فقط به حداقل سطح بندی که به تجهیزات مکانیکی اجازه حرکت می‌دهد نیاز دارد. حتی مکانیزاسیون گسترده در چرخه تولید به تعداد زیادی نیروی کار نیاز ندارد. مهندسان هیدرولیک و کشاورزان، تولید را سازماندهی می‌کنند؛ در حالی که کارکنان متخصص مسئول عملیات ماشین‌آلات کشاورزی و نگهداری آن هستند. کارکنان مناسب‌تر از بین مهندسان خارجی استخدام شده‌اند و عمدتاً مهندسان پاکستانی، عربستانی و اروپایی هستند، در حالی که کارگران با صلاحیت مهارتی پایین‌تر نه تنها سودانی، بلکه کارگران مصری، کنیایی، آفریقایی جنوبی و فیلیپینی هستند. در ۱۳۰ کیلومتری شمال خارطوم، شرکت لبنانی (GLB Invest) یکی از بزرگترین پروژه‌هایی است که برای تولید یونجه از "مکانیزاسیون سطح بالا" استفاده می‌کند. شرکت مذکور در سال ۲۰۱۱ در منطقه ای نه چندان دور از قوز الحبشی تأسیس شد. دولت سودان برای ۸۷ هزار و ۲۰۰ هکتار زمین؛ اجاره ای ۹۹ ساله را با قابلیت تجدیدپذیری تعیین کرد. به منظور تضمین دسترسی برای آبیاری، به سرمایه‌گذار یک باریکه طولانی از زمین در امتداد رود نیل اعطا شد که در آن ایستگاه پمپاژ نصب شده است. این به یک مخزن هیدرولیک متصل است که به

لوله های فایبر گلاس زیرزمینی متصل است که در امتداد راهرو زمینی که به صراحت برای این منظور توسط سرمایه گذار خریداری شده است. در سال ۲۰۱۴، فاز ۱ برداشت با ۴۰ پیوت آغاز شد. سال بعد ۲۳ محور اضافه شد (فاز ۲). هدف سرمایه گذار در نهایت ۱۰۰۰ پیوت به منظور افزایش تصاعدی تولید و صادرات یونجه بود. کشت اولیه هر دو سال یک بار با کشت علف و کنجد تناوب می یابد.

یکی دیگر از شرکت های معتبر کشاورزی جدید در سودان یک شرکت سعودی به نام (RAA) است که پروژه های کشاورزی متعددی نه تنها در این کشور، بلکه در عربستان سعودی، مصر، اوکراین و لهستان دارد. همچنین در حال برنامه ریزی برای توسعه کشت در موریتانی است. پروژه اصلی آن در سودان پروژه الکفاعة است و اولین محصولات آن در سال ۲۰۰۹ کشت شد. با این حال، بزرگ ترین خرید زمین متعلق به کنسرسیونوم (Moawia Elberier) است که یک مجموعه چند ملیتی متشکل از ۳۰ شرکت است. در سودان، کنسرسیونوم معاویه به طور بالقوه می تواند ۴۸۰۰۰۰ هکتار را کشت دهد. البته در سال ۲۰۱۶ تظاهرات متعددی در مخالفت با ایجاد یک پروژه جدید کشاورزی صورت گرفت. در منطقه شنیدی، هنگامی که یک شرکت خصوصی توسط ارتش شروع به حصارکشی زمین های محافظت شده کرد، بسیاری از بومیان اعتراض کردند. این شرکت ادعا کرد که به نهادهای محلی اطلاع داده است، اما این - ساکنان محلی می گویند - هرگز جامعه را در مورد تخصیص زمین درگیر نکرده اند. در این مرحله درگیری اجتناب ناپذیر و خشونت آمیز شد و در برخی موارد ارتش اقدام به تخریب شهرک ها و دستگیری مردم کرد. در سال ۲۰۱۸، در نزدیکی خارطوم، بومیان که پس از ایجاد یک پروژه کشاورزی آواره شده بودند، انبار شرکت را در دست پس از اولین برداشت اشغال کردند و کل محصول را سوزاندند. پس از آن، بسیاری از شرکت های خصوصی شروع به سرمایه گذاری بیش تر در حصارها و حفاظها برای نظارت بر مرزهای پروژه کشاورزی خود کردند. در سال ۲۰۰۹، شرکت "ستاره عربستان" سعودی ۱۰۰۰۰ هکتار در گامبالا به مدت ۵۰ سال اجاره کرد. این شرکت بعداً با خرید یک مزرعه دولتی مجاور، ۴۰۰۰ هکتار دیگر را تصاحب نمود. سعودی/ستار یکی از برجسته ترین پروژه های سرمایه گذاری بود که در آن دولت/تیوپی ۲.۵ میلیون هکتار، (مساحتی معادل کمی کوچک تر از بلژیک)، را اجاره کرد. هدف دولت این بود که فناوری کشاورزی مدرن را برای تولید "صادرات و پردازش و صادرات مجدد" به ارمغان بیاورد که به مشکل جدی "تراز تجاری" خویش کمک کند و به گفته برخی، کنترل نخبگان حاکم بر مناطق پست حاصلخیز را تقویت کند. در ابتدا پیش بینی می شد که ۱۰۰۰۰ تن برنج تولید کند، اما پس از بارندگی های ضعیف چشم انداز را به نصف کاهش داد. این شرکت تا سال ۲۰۱۸ معادل ۱۰۰ میلیون دلار دیگر را برای تکمیل ۲۱ کیلومتر کانال آبیاری، تسطیح زمین با استفاده از لیزر و آوردن ماشین آلات بیش تر هزینه کرد. این امر بازده مزرعه را دو برابر و امکان تولید سالانه ۱۴۰۰۰۰ تن را فراهم کرد.

دولت های حاشیه خلیج فارس در سال ۲۰۲۲ همچنان در حال ترویج کشاورزی در خارج از کشور و ساخت و یا خرید مزارع در خارج هستند. به عنوان مثال، شرکت (Hassad Food) بازوی تجارت کشاورزی صندوق ثروت مستقل قطر و یکی از شرکت های پیشگام خلیج فارس در کشاورزی خارج از کشور ابراز نگرانی عمیقی در مورد رقابت سنگین شرکت های خلیجی برای زمین های کشاورزی موجود کرده است. شرکت (Jenaan Investment) مستقر در امارات، خرید مزارع جدیدی در سودان و تجهیز آن با فناوری پیشرفته را به صورت کاملاً عملیاتی اداره می نماید.

حوضه نیل مساحتی معادل ۳.۱۸ میلیون کیلومتر مربع را در بر می گیرد که تقریباً ۱۰ درصد از قاره آفریقا را شامل می شود. رودخانه نیل دارای میانگین جریان سالانه ۸۴ میلیارد متر مکعب آب است که در سد اسوان در مصر اندازه گیری شده است. بر اساس اسناد موجود بیش از ۱۰.۳ میلیون هکتار زمین توسط سرمایه گذاران در ۱۱ کشور که کشورهای حوزه نیل را تشکیل می دهند از سال ۲۰۰۰ خریداری شده است. اینها از کشورهای خارج از آفریقا شامل اتریش، بلژیک، برزیل، چین، اتیوپی، هند، اسرائیل، نروژ، عربستان سعودی، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا هستند که در کشت فرا سرزمینی سرمایه گذاری می کنند. بیش تر این سرمایه گذاران زمینی را برای کشت محصولات غذایی، کالاهای کشاورزی غیر غذایی مانند تنباکو، سوخت های زیستی، دام و کاشت چوب به دست می آورند. شگفت آورتر این که بیش تر معاملات زمین در منطقه نیل در واقع معاملات آب است، اینها عمدتاً سرمایه گذارانی اند که آب و زمین را توأمان هدف قرار می دهند. به عنوان مثال طرح آبیاری (Tana-Beles) یک پروژه آبی بزرگ در کنار دریاچه تانا، منبع نیل آبی در اتیوپی است. شرکت کاروتوری یک سرمایه گذار هندی است که بزرگ ترین اجاره نامه را از دولت اتیوپی برای ۱۰۰ هزار هکتار در گامبالا تضمین کرد. در موزامبیک ۲۹ درصد از زمین های کشاورزی به خارجی ها اجاره داده شده است و در مجموع ۴۱ کشور زمین کشاورزی را در ۶۱ پهنه بزرگ اجاره کرده اند که بیش تر آنها روستاهای فقیر آفریقایی هستند. در یک مثال دیگر، تصور کنید یک شرکت بزرگ خارجی مالک نیمی از زمین های قابل کشت در یک کشور باشد. این تقریباً چند سال پیش اتفاق افتاد. هنگامی که شرکت کره جنوبی دوو پیشنهاد اجاره یک میلیون هکتار برای کشت ذرت و ۱۲۰۰۰۰ هکتار دیگر را برای تولید روغن نخل در ماداگاسکار داد. این کار اعتراض عمومی به دنبال داشت و این معامله در اوایل سال ۲۰۰۹ ابطال شد. نمونه های شکست خورده بسیار است به عنوان مثال، گروه سیوا که متعلق به هند است، تنها در ۵ سال، مجموعه ای از زمین های کشاورزی - نزدیک به یک میلیون هکتار - را برای کشت نخل های روغنی جمع آوری کرد. این شرکت اکنون در سیشل با روند ورشکستگی مواجه است.

در مثالی دیگر، فوراس بخش خصوصی بانک توسعه اسلامی - که در راه به دست آوردن ۷۰۰۰۰۰ هکتار زمین کشاورزی در سراسر آفریقا برای یک پروژه عظیم برنج بود - ناپدید شده است. حتی کاروتوری، که امتیاز

۳۰۰۰۰۰ هکتاری اش در اتیوپی او را به نفر اول کشاورزی کشور تبدیل کرد، اکنون چیزی برای نشان دادن ندارد. تجارت گل این شرکت در کنیا منحل شده است و مزارعش در اتیوپی در دو سال گذشته بیکار مانده اند. در سال ۲۰۱۱، قتل معمر قذافی در لیبی به پروژه ۱۰۰۰۰۰ هکتاری برنج رژیم او در کشور مالی پایان داد. در کامرون، پس از اعتراضات فراوان، قرارداد شرکت چند ملیتی هراکلس از ۷۳۰۰۰ هکتار به ۱۹۸۴۳ هکتار کاهش یافت.

بی تردید مزارع نخل روغنی به تنهایی مسئول بخش بزرگی از تصاحب زمین در بخش غذا و کشاورزی جهان در چند سال اخیر هستند. بخش اعظم این گسترش توسط شرکت های آسیایی مانند ویلمار، اولام و سیم داری هدایت می شود که بخش های عظیمی از قلمرو کشت فرا سرزمینی را در آفریقا، و همچنین آمریکای لاتین، آسیای شرقی و اقیانوس آرام دربر می گیرد. در اسناد،، ۲۰۳۰ چین، ژاپن و کره جنوبی نیز سیاست های رسمی در زمینه کشاورزی در خارج از کشور را به عنوان بخشی از برنامه های امنیت غذایی خود حفظ کرده اند. این عمدتاً به عنوان راهبرد اساسی حمایت از شرکت های ملی آنها در حوزه فرامرزی تبدیل می شود، که نه تنها زمین های خارج از کشور را برای کشاورزی به دست می آورند، بلکه به همان اندازه مهم، کنترل مسیرهای تجاری را برای ارسال کالاها به خانه و رقابت با شرکت های چند ملیتی بزرگ غربی در بازارهای جهانی تضمین می کنند. آفریقا همچنان بخش کوچک و البته مهمی از زمین خواری مبتنی بر امنیت غذایی است، اگرچه این شرکت ها در حال حاضر بر مناطقی در دسترس تر مانند برزیل و استرالیا متمرکز هستند. امروزه برخی معاملات کم تر به اشکال مستقیم تصرف زمین تبدیل شده است. به عنوان مثال، در برزیل و آرژانتین، شرکت های چینی (شرکت غذایی COFCO) که با نگرانی در مورد غارت زمین توسط خارجی ها مواجه هستند، سعی کرده اند به جای خرید زمین، معاملاتی را مشابه سیستم "کشاورزی قراردادی، پیمانکاری فرعی زراعی و کشت سفارشی" برای تضمین تولید از مزارع خارجی انجام دهند. از سال ۲۰۱۷ به طور فزاینده ای، چنین معاملاتی با عنوان "سرمایه گذاری های مسئولانه" شناخته می شوند، اما هنوز از بسیاری جهات، نوعی از تصرف آب و زمین محسوب می شوند. تقریباً ۹ درصد از کل مساحت زمین های قابل کشت آفریقا از سال ۲۰۰۰ مالکان خود را به مالکان خارجی تغییر داده است. بزرگ ترین تصاحب زمین در کشورهایی با ساختارهای حکومتی ضعیف متمرکز شده است. در این کشورها، نسبت گرسنگی و سوء تغذیه در جمعیت نیز بسیار بالا است، به عنوان مثال، جمهوری دموکراتیک کنگو و سودان، نمونه های صریحی به شمار می روند.

بر اساس داده های منابع مختلف، در رومانی بیش از ۱۰ درصد از زمین های کشاورزی اکنون در دست سرمایه گذاران کشورهای ثالث است و ۲۰ تا ۳۰ درصد دیگر توسط سرمایه گذاران اتحادیه اروپا کنترل می شود. در رومانی، حدود ۸۰۰۰۰۰ هکتار زمین کشاورزی، ۶ درصد از کل زمین های قابل کشت، متعلق به سرمایه گذاران خارجی است. این فرآیند شامل خرید یا اجاره زمین کشاورزی در مقیاس بزرگ توسط شرکت ها، دولت ها و افراد

خصوصی است. در مجارستان یک میلیون هکتار زمین در معاملات محرمانه با استفاده از سرمایه گذاری عمدتاً از کشورهای عضو اتحادیه اروپا به دست آمد. اگرچه خارجی ها تا می ۲۰۱۶ مجاز به خرید زمین در لهستان نبودند، اما اکنون مشخص شده که ۲۰۰۰۰۰ هکتار قبلاً توسط سرمایه گذاران خارجی، عمدتاً از کشورهای اتحادیه اروپا، خریداری شده بود.

امروزه شاهد ظهور بازیگران جدیدی از "حوزه های مالی" در کشت فراسرزمینی هستیم. در چند سال گذشته صندوق های بازنشستگی، شاهد افزایش چشمگیر سرمایه گذاری در زمین های کشاورزی بوده اند در سال ۲۰۰۸، تنها تعداد ۳۲ صندوق های بازنشستگی در زمین های کشاورزی سرمایه گذاری می کردند. تا سال ۲۰۱۲، تعداد ۱۷ صندوق دیگر علاقه نشان دادند. امروز این تعداد به بیش از یکصد صندوق افزایش یافته است. صندوق های بازنشستگی منبع عمده سرمایه پشت شرکت هایی هستند که در سطح جهانی زمین های کشاورزی را خریداری می کنند. برخی، مانند (TIAA-CREF) مستقر در ایالات متحده، حتی عملیات کشاورزی را خود اجرا می کنند. مجموعه کلیدی دیگری از بازیگران بخش مالی، موسسات مالی توسعه (DFIs) و آژانس های کمک های توسعه ملی هستند. شرکت های خرید و احیای زمین های کشاورزی هنوز برای جذب سرمایه از بخش خصوصی مشکل دارند، زیرا کشت در زمین های کشاورزی خارجی به عنوان یک سرمایه گذاری پرخطر در نظر گرفته می شود، بنابراین به این موسسات روی می آورند که بسیاری از آنها «سرمایه گذاری تجارت کشاورزی» را به عنوان چشم انداز اصلی خود برای توسعه کشاورزی پذیرفته اند. بدون دخالت این آژانس ها، که با استفاده از پول مالیات دهندگان در غصب زمین سرمایه گذاری می کنند، کشت فراسرزمینی رونقی نخواهد داشت.

گاهی اوقات منابع مالی غیرقانونی و فراساحلی زیربنای این معاملات است. نهادهای مالی های فراساحلی و جریان های مالی غیرقانونی نقش مهمی در تصاحب زمین های کشاورزی امروزی دارند. اگر منشاء سرمایه گذاران خارجی را بر اساس محل ثبت نام آنها فهرست می کردیم، بهشت های مالیاتی مانند جزایر کیمن یا سنگاپور به عنوان کشورهای برتر زمین خوار رتبه بندی می شدند! برای مثال، تقریباً تمام شرکت هایی که زمین را در موزامبیک تصاحب می کنند، در جزیره موریس ثبت شده اند. اگرچه ممکن است قانونی باشند، چنین ساختارهای فراساحلی می توانند فساد و مالکان واقعی را پنهان کنند و به شرکت ها اجازه دهند از پرداخت مالیات اجتناب کنند. طی یک دهه اخیر، دامنه جغرافیایی سرمایه گذاری خارجی در زمین های کشاورزی محدود شده است. تنها چند معامله در از سال ۲۰۲۰ بدین سوی در کشورهای مالی، سنگال، سودان جنوبی، اندونزی، پاکستان، فیلیپین و آرژانتین انجام شده است. در آمریکای لاتین، شرکت هایی مانند ال تجار، کالیکس آگرو (لوئیس دریفوس) و کرسود که چند سال پیش در معاملات زمین بسیار فعال بودند، در نهایت از گردونه معاملات اراضی خارج شدند. اکنون توجه به کشورهای معطوف شده است که اکوسیستم تجارت کشاورزی منطفی در آنها ایجاد شده است و محیط قانونی به

نفع سرمایه‌گذاران و صادرات خارجی است (مانند استرالیا) و یا کشورهایی که زیرساخت‌های صادراتی در آن‌ها ساخته شده و می‌توان زمین‌های وسیعی را با قیمت ارزان به دست آورد (مثلاً موزامبیک). در نتیجه، امروزه سر و صدای کم‌تری از سرمایه‌گذاری در زمین‌های کشاورزی در آسیا و آمریکا به گوش می‌رسد، در حالی که مناطق برجسته کشت فرا سرزمینی جغرافیای آفریقا، اروپای شرقی و اقیانوس آرام هستند.

همچنین در ایجاد این مرزهای جدید برخی کشورها که از سرمایه‌گذاری در مناطق خاص حمایت می‌کنند، موثر هستند. مثلاً شرکت‌های ژاپنی با حمایت دولت خود، در شمال برزیل و موزامبیک برای تولید سویا تمرکز کرده‌اند. شرکت‌های چینی به شدت در حال خرید زمین‌های کشاورزی در نیوزلند و استرالیا و همچنین خاور دور و روسیه هستند. زمین‌های کشاورزی منطقه غربی روسیه، رومانی و اوکراین، مقصد مورد علاقه شرکت‌های اروپایی است. شرکت‌های هندی مشتاق اتیوپی هستند. شرکت‌های فرانسوی و پرتغالی از مستعمرات سابق خود در آفریقا برای کشت فراسرزمینی حمایت می‌کنند. با این حال، شرکت‌های ایالات متحده و بریتانیا تقریباً در همه جا حضور دارند.

اما سخن پایانی؛ ذکر این مسئله مهم است که در "واقعیت‌های ژئوپلیتیک کنونی"، به ویژه در روزگار "پسا کرونا" و جنگ روسیه و اوکراین، تورم جهانی قیمت غلات و نقصان در زنجیره ارزش جهانی؛ کشت فراسرزمینی تصمیمی بسیار جذاب به نظر می‌رسد. همانطور که وضعیت غلات اوکراین نشان داد، تنها اتکا به واردات، استراتژی بسیار خطرناکی است که خاورمیانه و کشورهای آفریقایی قبلاً آن را تجربه کرده‌اند. در این میان دولت‌ها به عنوان مشوق، محرک، تسهیلگر و تضمین‌گر در توسعه کشت فراسرزمینی نقش اساسی دارند. بسیاری از دولت‌ها در حال ایجاد نهادهای پر قدرت مالی، زیرساخت‌ها، بازنگری مقررات و ورود به "مشارکت‌های دولتی-خصوصی" جدید هستند تا سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشاورزی، از جمله تملک زمین‌های کشاورزی، صادرات و پردازش را تسهیل نماید. همچنین آن‌ها در حال رایزنی، تفاهم، لابیگری سیاسی، چانه زنی و امضای قراردادهای تجاری و سرمایه‌گذاری جدید و بسته‌های کمکی با هدف تسهیل گسترش تولید-تجارت کشاورزی در فراسوی مرزهای خود هستند، تا امنیت غذایی خود را در سال‌های آتی بهبود بخشند.